

روایت حکمرانی تعالی‌گرا به‌جای توقف بر فساد

علی‌اصغر پورعزت*، غزاله طاهری عطار**، خدیجه روزبهانی***

چکیده

بیشتر راهبردهای متداول در مواجهه با فساد، بر اتخاذ رویکرد انفعالی از طریق حذف ویژگی‌های سازمان فاسد یا مقاومت در برابر فساد تأکید دارند؛ درحالی‌که می‌توان این پدیده را با رویکردی فعال و یا حتی فوق‌فعال، تحت‌کنترل درآورد. پژوهش حاضر در پی آن است که با ارائه داستان یک سازمان تعالی‌گرا و فسادزوده، یکی از بهترین راهبردهای مقابله با فساد را بازتعریف کند. درواقع در پاسخ به این پرسش که «مختصات حکمرانی تعالی‌گرا و فسادزوده چیست؟» در پژوهش حاضر تأکید بر این است که با بهره‌گیری از روش «پیش‌روایت» از طریق تصویرپردازی از حکمرانی و سازمان اداری متعالی، می‌توان ظرفیت‌های هم‌افزای عناصر سازمانی را برای شکل‌دهی یک سازمان فسادزوده، یادگیرنده، و تعالی‌گرا برانگیخت. در این شیوه با به‌تصویرکشیدن یک سازمان و سالم، ارزش‌هایی عمیق در ناخودآگاه افراد ایجاد می‌شود و از دیدگاه هولوگرافیکی، میدان مغناطیسی جدید فعال می‌شود و افراد به‌تدریج به سمت سازمان روایت‌شده، گام برمی‌دارند. بر این اساس، پژوهش حاضر، بنیادی است و از «روش آمیخته» استفاده شده است. نخست، به‌منظور استخراج مفاهیم و مؤلفه‌های حکمرانی تعالی‌گرا از روش «روایت-گری و تحلیل تم» استفاده شده است؛ سپس، به‌منظور ارزیابی و رتبه‌بندی مفاهیم، از روش «نظرسنجی از خبرگان» بهره گرفته شده است. سازمان سالم و متعالی پایبند به قانون است و دموکراسی را در احترام به قانون رصد می‌کند؛ بدین ترتیب، سازمانی شکل می‌گیرد که با رعایت ویژگی‌های بالا به اسوه سازمان سالم تبدیل شود.

کلیدواژه‌ها: اخلاق‌گرایی فراقانونی؛ حساب‌پس‌دهی و پاسخگویی؛ حکمرانی تعالی‌گرا؛ سازمان تعالی‌گرا و فسادزوده؛ عدالت‌گرایی فراقانونی.

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۳/۷/۵، تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۴/۶/۲

* استاد، دانشگاه تهران.

** استادیار، دانشگاه تهران (نویسنده مسئول).

E-mail: taheerattar@ut.ac.ir

*** دانشجوی دکتری، دانشگاه تهران.

۱. مقدمه

پدیده فساد اداری جزو پدیده‌های کاهنده سرعت و افزایش آنتروپی محسوب می‌شود؛ پدیده‌ای که تلاش‌های متوالی و گوناگون برای متوقف‌ساختن آن، نتوانسته است آن را از جامعه بشری حذف کند. تاکنون تعریف‌های متعددی برای فساد ارائه شده است. برخی از پژوهشگران معتقدند، فساد سوءاستفاده از اختیارات، برای کسب سود شخصی است (Cheung & Chan, 2008)، یا ابزاری نامشروع برای برآوردن تقاضاهای نامشروع از سیستم اداری تلقی می‌شود (Scott, 1972). برخی دیگر اعتقاد دارند، فساد عاملی است که در آن امنیت اقتصادی - اجتماعی افراد به خطر می‌افتد و موجب کاهش قدرت قانون می‌شود (Karklins, 2002). بسیاری از پژوهشگران این حوزه، مهم‌عقیده‌اند که فساد سوءاستفاده از امکانات عمومی برای منافع شخصی است (Cheung & Chan, 2008).

فساد اداری که به آن فساد مالی سطح پایین (سطح خیابان^۱) نیز گفته می‌شود، هر روز در برخورد با مدیران عمومی در بخش‌هایی مانند بیمارستان‌ها، مدارس، پلیس و گمرک و غیره رخ می‌دهد. برخی پژوهشگران معتقدند، فساد زمانی نمایان می‌شود که مرز تعریف‌شده و مشخصی بین خط‌مشی‌های اقتصادی کشور و فعالیت‌های تجاری بخش خصوصی وجود نداشته باشد (Levin & Satarov, 2000).

وجه اشتراک اغلب تعریف‌های ارائه‌شده درباره فساد آن است که گیرنده رشوه و سوءاستفاده کننده از موقعیت‌های شغلی برای نفع شخصی (مالی و بعضاً کسب قدرت بیشتر) به این امر مبادرت می‌ورزد.

می‌توان فساد را در قالب معادله‌ای به صورت زیر تعریف کرد (Klitgaard, 1991):

$$\text{فساد} = \text{حساب‌پس‌دهی} - \text{پنهان‌کاری} + \text{انحصار}^2$$

فساد هنگامی فراگیر می‌شود که مرتکب آن بتواند از پاسخ‌گویی طفره برود یا فارغ از الزامات شفاف‌سازی، مخفیانه فعالیت کند یا اینکه از قدرت انحصار و سلطه بر امور بهره‌مند باشد (Hatch, 1997).

تجربه‌های به‌دست‌آمده از کشورهای گوناگون (Scanlan, 2004؛ Ampratwum, 2008؛ Salminen, 2013) نشان می‌دهد که فساد، امری پیچیده، پنهان و متنوع است و مبارزه با آن نیز باید مستمر، طولانی، منسجم و با برنامه‌ریزی دقیق و همه‌جانبه همراه باشد.

1. Street-Level

2. Corruption = Monopoly+ Discretion – Accountability

در پژوهش حاضر پژوهش‌گران مترصد آنند که با واکاوی برنامه‌های فعال و هدفمند فسادستیزی، ویژگی‌های حکمرانی متمایل به این هدف را شناسایی و صورت‌بندی کنند و بر مبنای آن با بهره‌گیری از روش روایت‌گری و تصویرپردازی، سیمای حکمرانی اخلاقی و تعالی‌گرا را به‌مثابه یک الگوی ایدئال و اسوه معرفی نمایند.

با توجه به برنامه‌های فسادستیزی و استقرار سلامت اداری، پرسش زیر مطرح می‌شود:

– *مختصات حکمرانی تعالی گرا چیست؟*

در این راستا چند خرده‌پرسش را نیز می‌توان مدنظر قرار داد:

۱. با استفاده از روش داستان‌سرایی و روایت‌گری چه ویژگی‌ها و تصویری از حکمرانی تعالی‌گرا و فسادزوده، قابل تصور است؟
۲. سازمان‌های دولتی فعال در حکمرانی تعالی‌گرا به‌مثابه مجریان خط‌مشی‌های این‌گونه حکمرانی هستند، چه ویژگی‌هایی دارند؟

۲. مبانی نظری و پیشینه پژوهش

تاکنون تلاش‌های زیادی برای اجتناب از فساد در قالب یکی از صورت‌های زیر انجام شده است:

– بازدارنده‌های انفعالی؛

– بازدارنده‌های فعال یا فوق‌فعال؛

- منظور از بازدارنده‌های انفعالی، بازدارنده‌هایی است که پس از وقوع فساد استفاده می‌شوند. برای مثال، می‌توان به مورد زیر اشاره کرد.
۱. تلاش برای متوقف‌ساختن فساد از طریق تنبیه؛
 ۲. تلاش برای متوقف‌ساختن فساد از طریق تشویق؛
 ۳. تلاش برای کاهش فساد از طریق آموزش راه‌های قانونی.

در همه موارد بالا، رویکردی انفعالی اتخاذ شده است؛ رویکردی که به‌موجب آن ابتدا فساد روی می‌دهد و سپس برای رفع یا کاهش آن برنامه‌ریزی و اقدام می‌شود؛ درحالی‌که می‌توان این پدیده را با رویکردی فعال و یا حتی فوق‌فعال، تحت‌کنترل در آورد یا مهار کرد. در این راستا از راه‌های زیر اقدام می‌شود:

۱. تلاش برای کاهش فساد از طریق توانمندسازی افراد با مهارت‌های خاص رهبری (Hart, 2001)؛
۲. تلاش برای کاهش فساد از طریق افزایش ظرفیت هوش هیجانی افراد (Orme, 2003, 184-90)؛

۳. تلاش برای کاهش فساد از طریق افزایش مهارت‌های ادراکی، مفهومی، میان‌فردی و هوش اجتماعی (Haq, 2011)؛
۴. تلاش برای کاهش فساد از طریق استفاده از ظرفیت‌های دولت الکترونیک (Desai & Embse, 2008).
۵. تلاش برای کاهش فساد از طریق آموزش‌های مؤثر بخش منابع انسانی در سازمان (Devorakova, 2005).
۶. تلاش برای محو فساد، از طریق روایت‌گری داستان حکمرانی و سازمان سالم. در پنج رویکرد اول، به‌صورت فعال تلاش می‌شود تا از فساد جلوگیری شود؛ ولی در رویکرد ششم، اهتمام به داستان‌گویی و نقل روایت حکمرانی سالم و تعالی‌گرا، اقدامی فوق‌فعال تلقی می‌شود که در آن، کار با ارائه تصویری شفاف از موقعیت بدون فساد آغاز می‌شود. این روش که به بیان دیوید بوژه، «پیش‌روایت»^۱ نامیده می‌شود (Boje, 2001) بر مبنای رویکرد داستان‌سرایی برای اصلاح سازمان از ارائه نمونه‌های موفق در ایجاد محیط اداری سالم آغاز می‌شود؛ یعنی به‌جای آنکه رویه‌های مرسوم در مبارزه با فساد اتخاذ گردند و بر وضع موجود توقف شود، تلاش می‌شود تا با ارائه تصویری از وضعیت متعالی، رویکرد حکمرانی اخلاقی یا حکمرانی بدون فساد معرفی شود و رغبت عمومی در قیام برای ایجاد جامعه سالم افزایش یابد. این شیوه موجب ایجاد ارزش‌های عمیق در ناخودآگاه افراد می‌شود (Brown et al., 2005) و از دیدگاه هولوگرافیکی، میدان مغناطیسی جدیدی را فعال می‌سازد که انسان‌ها فراتر از اخلاق حرکت کنند.

داستان حکمرانی تعالی‌گرا^۲. حکمرانی متعالی در پی آن است که با توسعه دموکراسی الکترونیک، امکان بازیابی مستمر آرای عامه را فراهم کند و با تکیه بر بافت گسترده اطلاعات حاصل از توسعه حکومت الکترونیک، قطرات باران را در رویکردی برابر انگار، به نیازمندترین بخش‌های جامعه در شهرها، بخش‌ها، استان‌ها و روستاهای این کویر هدایت کند؛ بدون اینکه قطعه‌ای از کویر فراموش شود یا قطعه‌ای از آن بیش‌ازحد اشباع شود و سیل به راه اندازد، یا قطره‌ای از آب تلف شود؛ بنابراین، داستان حکمرانی متعالی، داستانی حقیقی است و فقط کسانی آن را باور می‌کنند که به تعالی ایمان دارند (پورعزت، ۱۳۹۱).

موارد زیر از جمله مهم‌ترین ویژگی‌های حکمرانی متعالی است:

- التزام به رعایت قانون؛

- اخلاق‌گرایی در ورای قانون و التزام به اخلاق فراقانونی؛

1. Antennarrative

2. The Story of Truth Oriented Governance

- مراودات اجتماعی عادلانه و التزام به عدالت فراقانونی؛
- روابط اجتماعی صمیمانه و میرا از تحمیل و سلطه‌جویی؛
- جدیت و مسئولیت‌پذیری در مواجهه با هدف سازمان؛
- حاکمیت فرهنگ حساب‌پس‌دهی و پاسخگویی.

التزام به رعایت قانون^۱. اداره تعالی‌گرا، اداره‌ای پایبند به قانون است و دموکراسی را در احترام به قانون رصد می‌کند. در چنین اداره‌ای، قانون مبنای طرح بحث از مناسبات اجتماعی است و تلاش می‌شود که در مراحل تدوین و تصویب قانون، ملاحظات ویژه قانون‌گذاری صحیح رعایت گردد تا در مرحله اجرا، صرفاً به اجرای قانون و راهبردهای اعمال آن، اندیشیده شود. حتی در مواردی که قانون نقص دارد و لازم است که اصلاح شود، رفع نقص از قانون باید طبق فراگردی قانونی انجام پذیرد.

در اداره تعالی‌گرا شرایط بی‌قانونی یا بی‌توجهی به قانون، قابل تحمل، پذیرفتنی یا قابل تأیید نیست. در چنین سازمان‌هایی مدیران باید متولی رفتار قانونی باشند؛ همان‌طور که در بخش خصوصی نیز این انتظار وجود دارد.

، سیستم قانون‌گذاری تعالی‌گرا باید از ظرفیت انعطاف و اقتضاپذیری کافی (Felder, 1964) برای مواجهه با شرایط حرفه‌ای، کاری و محیطی متفاوت برخوردار باشد؛ به‌طوری‌که با اتخاذ رویه‌های اداری صلب و منجمد، زمینه نقض اضطراری قوانین را فراهم نیورد.

اخلاق‌گرایی فراقانونی^۲. اخلاق در اداره تعالی‌گرا در ورای قانون مطرح می‌شود و ملتزم به رعایت اصولی دقیق‌تر و ظریف‌تر از اصول قانونی است. برای مثال، هنگام انتخاب یک کارمند، قانون بر ضرورت احراز شایستگی کافی تأکید دارد؛ بنابراین در رویکرد قانونی به شایسته‌سالاری، می‌توان هر شخصی را که از حداقل ویژگی‌ها و صفات مناسب برخوردار باشد برای تصدی یک مسئولیت فرا خواند؛ درحالی‌که در رویکرد اخلاقی به شایسته‌سالاری، انتصاب‌ها باید در فراگردی معطوف به انتخاب شایسته‌ترین افراد انجام پذیرند. در این مثال، رفتار مدیر وقتی قانونی است که فرد انتصاب یافته به یک مقام، از حداقل‌های قانونی (تحصیلات، سن و تجربه کافی) برخوردار باشد؛ درحالی‌که رفتار وی وقتی اخلاقی است که فرد انتصاب یافته، شایسته‌ترین فرد برای تصدی آن مقام باشد. ملاحظه می‌شود که اخلاق تا حد زیادی، مقوله‌ای انفرادی است به‌طوری‌که «هایدگر» آن را «وجدان و بخش آگاه هر فرد» می‌نامد (Hyde, 2001).

1. Having commitment to observe laws

2. Ethics beyond law

عدالت‌گرایی فراقانونی^۱. عدالت‌گرایی قانونی، به رفتار مبتنی بر قانون متمایل می‌شود؛ درحالی‌که در عدالت‌گرایی فراقانونی، فرد ملزم می‌شود تا ملاحظات دقیق‌تری را در باب‌گرایش به برابری و حق‌گرایی، مدنظر قرار دهد. در این رویکرد، افراد آن‌چنان به عدالت تمایل می‌یابند که حتی در صورت عدم وجود منع قانونی، به بی‌عدالتی نمی‌گرایند و تمایل دارند تا حتی به‌صرف هزینه بیشتر، عدالت‌گراتر باشند. این سطح از عدالت‌گرایی مبتنی بر تمایلی فراقانونی است و مراتبی ارزشمندتر و اخلاقی‌تر از سطح کفایت قانونی را مدنظر قرار می‌دهد.

بر این اساس، جامعه‌ای شکل می‌گیرد که شاخص‌های عدالت و بی‌عدالتی را می‌شناسد و افزون بر قانون، با کاربست و ترویج یا توسعه قواعد اخلاقی در قالب فرهنگ، از رفتارهای عادلانه‌تر حمایت می‌کند؛ یعنی علاوه بر ملاحظات قانونی، ملاحظات خاص فرهنگی جامعه، مانع از بی‌عدالتی یا تمایل به آن می‌شود.

صمیمیت و پرهیز از سلطه‌جویی^۲. جوامع انسانی، درگیر رفتارها و نگرش‌ها و گرایش‌های ویژه‌ای هستند که در ساحت‌های رقابت آینده جلوه‌گر شده، انواع رفتارهای بخردانه یا نابخردانه و مسالمت‌آمیز یا خصومت‌آمیز را سبب می‌شوند. در این میان دو گونه رفتار «خویش‌ساز و تعالی‌دهنده» و «سلطه‌جو و فروکاهنده»، قابل‌تأمل هستند.

منظور از رفتار سلطه‌جو، هر رفتاری است که در جلوه‌های والد یا کودک، به اخذ امتیاز یا توجیه خویش‌ساز متمایل می‌شود (برن، ۱۹۶۱: ۷۶)؛ درحالی‌که منظور از رفتار خویش‌ساز، رفتاری بزرگ‌سال است که در آن امکان برنامه‌ریزی برای غلبه بر مشکلات و اصلاح وضع موجود نهادینه می‌شود.

سلطه‌جو به هدایت و مدیریت دیگران تمایل دارد و خویش‌ساز به اصلاح خویش؛ بدین ترتیب، سبک رهبری خویش‌ساز، سبک اسوه‌گزینی و الگودهی است؛ درحالی‌که سبک رهبری سلطه‌جو بر تحمیل قهری اراده استوار است؛ بنابراین، رفتارهای فرهنگی غالب در این سیستم حکمرانی باید رفتارهای خویش‌ساز و تعالی‌دهنده باشد.

مسئولیت‌پذیری و هدف‌گرایی^۳. ملاحظات عدالت‌گرایانه و وجوه اخلاقی گوناگون ناظر بر حکمرانی متعالی نباید بدون توجه به اهداف و مقاصد سازمان صورت پذیرد؛ زیرا در این صورت ممکن است سازمان به‌صورت متعالی و اخلاقی اداره شود، ولی نتواند به حیات خود ادامه دهد؛ بنابراین، ملاحظات تعالی‌بخش اداره و سنت حکمرانی، باید معطوف به تحقق اهداف و آرمان‌های

1. Justice beyond law

2. friendly relation free of imposition and oppression

3. Responsibility and Goal-Oriented

سیستم اجتماعی باشد؛ زیرا تأمین مسئولانه اهداف استراتژیک سازمان، به پایداری در محیط و برآورده کردن نیازهای عقلانی شهروندان کمک می‌کند (McWilliams & Siegel, 2001, 117-27).

مسئولیت‌پذیری در سطح سازمان به معنای داشتن تعهد اخلاقی به اهداف سازمان است؛ به نحوی که اهداف ذی‌نفعان به شکلی پایدار در محیطی سالم از نظر اجتماعی - اقتصادی تأمین شود (Aaronson & Reeves, 2002). برای مثال، اگر این سیستم یک سازمان توسعه کشاورزی باشد، باید با رعایت رویه‌های اخلاقی به هدف «توسعه کشاورزی» برسد؛ یعنی حق ندارد به بهانه اخلاقی عمل کردن، عقلانی عمل کردن را متوقف نماید؛ زیرا در این رویکرد، عقلانیت و عمل اخلاقی، دو وجه ضروری و اجتناب‌ناپذیر هستند که در شکل‌دهی سازمان متعالی، نقش مهمی دارند؛ بنابراین، سیستم حکمرانی هنگامی متعالی است که هم اخلاقی و هم کارآمد و اثربخش باشد. امروزه مسئولیت‌پذیری بشردوستانه به مثابه یکی از اهداف اصلی مسئولیت‌های سازمانی مطرح است (Edwards, 2008).

حساب‌پس‌دهی و پاسخگویی^۱. حساب‌پس‌دهی همچون چتری مفهومی است که انواعی از مفاهیم مشابه و متمایز را نظیر: پاسخگویی، شفافیت، برابری، عدالت، دموکراسی، کارایی، مسئولیت، یکپارچگی و غیره (Fisher, 2004) مدنظر قرار می‌دهد؛ البته می‌توان حساب‌پس‌دهی را با دیدی محدود نگریست. در این نگرش، حساب‌پس‌دهی عبارت است از: رابطه‌ای اجتماعی بین یک بازیگر و یک انجمن که در آن بازیگر ملزم است تا اعمالش را توضیح دهد یا توجیه کند و انجمن نیز حق دارد تا سؤال پرسد، قضاوت کند و در صورت لزوم، برای بازیگر خاطی، مجازات در نظر بگیرد (Bovens, 2005a). در این امتداد می‌توان گفت که منظور از پاسخگویی در برابر مردم، حالتی است که حکومت خود را ملزم و موظف به جبران آثار عملکرد خود بداند و پاسخگویی عواقب خطامشی‌ها و اعمال خود باشد.

در بیشتر موارد، پاسخگویی در ازای تفویض اختیار، یا در ساحت گسترده‌تر با واگذاری حقوق مردم به دولتمردان از طریق انتخابات، صورت می‌پذیرد؛ در واقع نمایندگان مجموعه ذی‌نفعان، اختیار دارند تا مدیران اداری را از طریق سازوکارهای نظارتی و ممیزی، پاسخگو سازند. مدیران نیز مختار هستند تا مجریان و مأموران فرودست خود را از طریق سلسله‌مراتب اختیارات و مسئولیت و همچنین دادگاه‌ها و محاکم اداری در برابر قانون پاسخگو کنند. فراگرد اداری تعالی‌دهنده، فراگردی پاسخگو و حساب‌پس‌دهنده است که در آن باید پاسخگویی ملازم با کنترل دموکراتیک و مهار سوءاستفاده‌ها (Bovens, 2005 a)، مهار افراد قانون‌شکن (Behn,

1. Accountability and Answerability

(2001)، یادگیری پیش‌گیری (Bovens, 2005a)، استفاده صحیح و منسجم از منابع (فقیهی، ۱۳۸۰، ۵۶) و اثربخشی و کارآمدی (Przeworski et al., 1999) باشد. بدین ترتیب می‌توان به سیمایی که «روزنبوم» از اخلاق به تصویر می‌کشد، نزدیک شد. جایگاهی که در آن، فرد به یک فهرست درونی حساب‌پس‌دهی مجهز است و بر مبنای آن اخلاقی عمل می‌کند (Rosenbloom, 1989)؛ بنابراین، حکمرانی تعالی‌گرا، پاسخگویی فراگیر را به ابزاری برای اصلاح و یادگیری آگاهانه در سطح فردی و سازمانی، مبدل می‌سازد.

۳. روش‌شناسی

پژوهش حاضر از نظر جهت‌گیری، بنیادی و بر مبنای اهداف، اکتشافی است. پژوهش‌های بنیادی در پی غنی‌سازی دانش موجود و افزودن یافته‌هایی اساسی به بدنه فعلی دانش هستند (Neuman, 2006). پژوهش حاضر نیز در پی آن است تا با بررسی و مذاقه پژوهشی، الزامات و ویژگی‌های حکمرانی تعالی‌گرا و فسادزدوده را استخراج و مستند کند؛ از این رو، پژوهش حاضر جزو پژوهش‌های بنیادی تلقی می‌شود؛ همچنین در این پژوهش از «روش آمیخته»^۱ استفاده شده است؛ بدین ترتیب که در مرحله نخست پژوهش، به منظور استخراج مفاهیم و مؤلفه‌های حکمرانی تعالی‌گرا از روش‌های «روایت‌گری» و «تحلیل تم»^۲ استفاده شده است. در مرحله بعدی، به منظور ارزیابی صحت و سقم مفاهیم و مدل و رتبه‌بندی میزان تأثیرگذاری آن‌ها بر تحقق حکمرانی تعالی‌گرا و فسادزدوده، از روش نظرسنجی از خبرگان بهره گرفته شده است.

روایت‌گری. روایت روشی برای گفت‌وگوی درباره تجربه‌های گذشته است؛ به طوری که از طریق منطبق ساختن توالی شفاهی قضایا یا ترتیب وقایع، رخداد واقعی استنباط می‌شود (Labov, 1972). روایت مبتنی بر اتصال پی‌درپی پدیده‌ها و ظاهرشدن داستان در آن‌هاست. به بیانی ساده روایت‌ها دارای یک آغاز، مجموعه‌ای از کنش‌های مداخله‌کننده و در پی آن پایانی هستند که منوط به کنش‌های حادث شده است. روایت‌ها انعکاس‌دهنده اهمیت روش‌شناختی و تاریخی ترتیب و توالی زمانی کنش‌های به شمار می‌آیند. در واقع هر لحظه نتیجه فراگرد قبلی و شاخصی برای طی طریق در مسیر آینده است.

می‌توان گفت که روایت‌گری ابزاری کارآمد برای تسهیم تجربه و انتقال آن به دیگران است؛ به طوری که هم مخاطبان و هم راوی بتوانند تجربه‌ها را بازسازی کنند و در نتیجه فهم مشترکی از آن بیابند (Rosenthal & Fischer-Rosenthal, 2004)؛ از سوی دیگر، روایت ماهیتی فراگردی و تکرارپذیر دارد؛ ویژگی‌ای که ضرورت تحلیل‌های اجتماعی است؛ ضمن اینکه

1. Mixed Method
2. Theme Analysis

روایت‌ها با توجه به نقاط و وجوه اشتراک، پلی میان توصیف عمیق و محدود از یک تجربه و تحلیل وسیع‌تر از پدیده هستند (Marotzki, 2004).

تحلیل مضمون. مضمون نشان‌دهنده اطلاعات مهمی درباره داده‌ها و پرسش‌های پژوهش است و معنی و مفهوم الگوی موجود در مجموعه‌ای از داده‌ها را نشان می‌دهد (Braun & Clarke, 2006)؛ همچنین مضمون، الگویی مستتر در داده‌ها است که به توصیف و طبقه‌بندی شواهد و تفسیر جوانب و ابعاد متعدد پدیده می‌پردازد (Boyatzis, 1998). در نگاهی کلی، مضمون، یک ویژگی تکراری و متمایز در متن یا شواهد است که درک و تجربه خاصی در رابطه با پرسش‌های پژوهش ارائه می‌دهد (King, 2010).

این روش، فراگردی برای تحلیل داده‌های متنی است که داده‌های پراکنده و متنوع را به داده‌هایی غنی و تفصیلی تبدیل می‌کند. به‌طور کلی، تحلیل مضمون، روشی است برای:

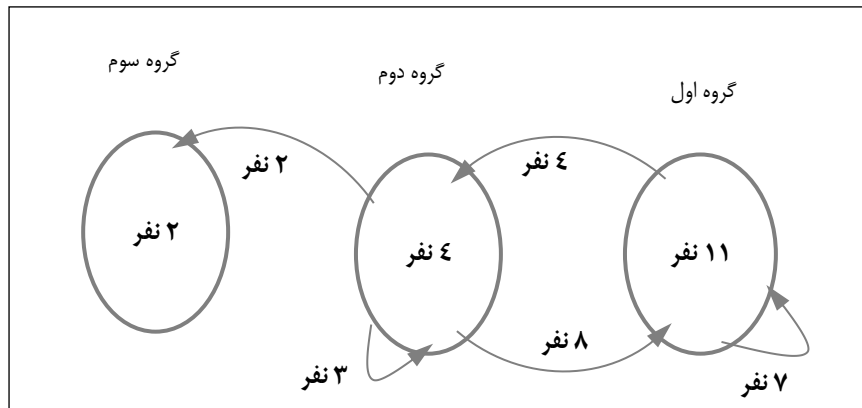
۱. دیدن متن؛ ۲. درک مناسب از اطلاعات به‌ظاهر نامرتب؛ ۳. تحلیل اطلاعات کیفی؛ ۴. مشاهده نظام‌یافته فرد، مراوده، گروه، سازمان و یا فرهنگ؛ ۵. تبدیل داده‌های کیفی به داده‌های کمی (عابدی جعفری و همکاران، ۱۳۹۰).

داده‌های مورد استفاده در این پژوهش، شامل انواع گوناگونی از داده‌های کیفی (مصاحبه، مشاهده، تعاملات و تفکرات خود پژوهشگران) است. روش گردآوری داده‌ها، مصاحبه نیمه‌ساختاریافته و مشاهده نظام‌یافته است. جامعه آماری پژوهش، کلیه خبرگان و صاحب‌نظران حوزه‌های مدیریت دولتی، علوم سیاسی، جامعه‌شناسی، علوم اقتصادی، حقوق و رشته‌های مرتبط هستند. در پژوهش حاضر، خبرگان و صاحب‌نظران با بهره‌گیری از نمونه‌گیری غیراحتمالی و ترکیبی از روش‌های هدفمند و «گلوله برفی»^۱ انتخاب شدند. روش «گلوله برفی» یکی از رویکردهای متداول در نمونه‌گیری متوالی یا متواتر است. در این روش پژوهشگر ابتدا افرادی را شناسایی می‌کند و پس از دریافت اطلاعات، از آن‌ها می‌خواهد که فرد یا افراد دیگری را به وی معرفی کنند (رنجبر و همکاران، ۱۳۹۱، ۲۴۳). این روند ادامه می‌یابد تا اجماع و اشباع نظرها حاصل شود (O'Reilly & Parker, 2007).

در پژوهش حاضر، در مجموع ۱۷ برای مشارکت در پانل دلفی موافقت کردند. این افراد همگی عضو هیئت علمی دانشگاه یا مؤسسات پژوهشی بودند و در حوزه‌های مرتبط با موضوع پژوهشی، کتب و مقالاتی پراچاع داشتند، یا طرح‌های پژوهشی شناخته‌شده‌ای را راهبری و صورت‌بندی کرده بودند. بر اساس خط روند دلفی پژوهش، ۶ نفر اول در مجموع ۱۰ نفر را معرفی کردند که ۲ نفر قبلاً در گروه اول وجود داشتند و ۸ نفر از آن‌ها جدید بودند. گروه دوم نیز ۹ نفر

1. Snowball

را معرفی کردند که ۲ نفر از گروه اول، ۴ نفر از گروه دوم و ۳ نفر جدید بودند. گروه سوم فرد جدیدی که برای مشارکت در پانل مناسب باشد، معرفی نکردند (شکل ۱).



شکل ۱. چگونگی انتخاب خبرگان با استفاده از روش گلوله برفی

۴. تحلیل داده‌ها و یافته‌های پژوهش

پدیده فساد اداری به‌مثابه یک پدیده کاهنده سرعت درحال افزایش و گسترش است و راهبردهایی که تاکنون برای مقابله با فساد مطرح شده‌اند، همگی تکیه بر حذف عامل فسادزا دارند. در این پژوهش، راهبردی کاملاً متفاوت ورای قانون، مطرح شد که ملتزم به اصولی دقیق‌تر از اصول قانونی است. در این روش، از رویکرد داستان‌سرایي و پیش‌روایت برای اصلاح سازمان استفاده شده است. شاخص‌های این پیش‌روایت عبارت‌اند از: التزام به رعایت قانون؛ اخلاق‌گرایی فراقانونی؛ مراودات اجتماعی عادلانه؛ روابط اجتماعی صمیمی و میرا از سلطه‌جویی، جدیت و مسئولیت‌پذیری در مواجهه با اهداف سازمان و حاکمیت فرهنگ حساب‌پس‌دهی.

در پژوهش حاضر، با مدنظر قراردادن این پرسش که: «ویژگی‌های قابل‌تسری حکمرانی تعالی‌گرا به‌مثابه یک الگوی ایده‌آل کدام‌اند؟»، تلاش شد تا با مراجعه به خبرگان و ارائه مفاهیم مدنظر پژوهشگران به ایشان، مدل و مفاهیم اولیه، صحت‌سنجی شوند و موارد اصلاحی احتمالی به موارد در نظر گرفته شده، افزوده شوند.

در این پژوهش تعداد ۱۷ مصاحبه برای کسب اطلاعات و رسیدن به نقطه اشباع صورت گرفته است. بر این اساس ابتدا ۱۱ نفر از خبرگان برای مشارکت در این پژوهش انتخاب شدند؛ البته داده‌های به‌دست‌آمده پس از مصاحبه دوازدهم تکراری به نظر می‌رسید؛ اما به‌دلیل کسب اطمینان از گردآوری کلیه داده‌ها، رسیدن به نقطه اشباع و حصول به اجماع نظر، مصاحبه‌ها تا

مصاحبه هفدهم ادامه یافت؛ همچنین با توجه به ماهیت روش پژوهش حاضر، تحلیل مضمون، اعتبار و روایی سؤال‌ها و مصاحبه‌ها در حالت اشباع، بدیهی فرض می‌شود.

از خبرگان خواسته شد به هر یک از شش ویژگی در نظر گرفته شده برای حکمرانی تعالی گرا، بر حسب اهمیت اثرگذاری بر تحقق حکمرانی تعالی گرا امتیازدهی کنند. تعیین میزان اهمیت عوامل در قالب طیف هفت‌گزینه‌ای لیکرت و شامل گزینه‌های ۱ = کم‌اهمیت‌ترین و ۷ = مهمترین، صورت گرفت؛ همچنین این پرسش مطرح شد که: «علاوه بر موارد شناسایی شده (ویژگی‌های شش‌گانه)، چه ویژگی دیگری برای روایت حکمرانی تعالی گرا قابل تصور است که تحقق و استمرار این حکمرانی را تسهیل و تسریع کند؟».

به منظور شناخت و رتبه‌بندی مؤلفه‌های شکل‌دهنده حکمرانی تعالی گرا از آزمون «علامت و تحلیل واریانس فریدمن» استفاده شد که نتایج آن به شرح زیر است:
آزمون فرضیه: بین اثرگذاری مؤلفه‌های شکل‌دهنده حکمرانی تعالی گرا، تفاوت معناداری وجود دارد.

بنابراین می‌توان فرضیه‌های آماری زیر را تدوین کرد:

H_0 : اولویت تأثیرگذاری مؤلفه‌ها یکسان است.

H_1 : اولویت تأثیرگذاری مؤلفه‌ها یکسان نیست

خروجی نرم‌افزار SPSS نشان می‌دهد که مقدار عدد معناداری (sig) از سطح معناداری استاندارد ($\alpha = 5\%$) کمتر است؛ بنابراین، فرض H_1 در سطح اطمینان ۹۵ درصد تأیید می‌شود؛ از این رو می‌توان نتیجه گرفت، مؤلفه‌های شکل‌دهنده حکمرانی تعالی گرا، اولویت تأثیرگذاری یکسانی ندارند (جدول ۱).

جدول ۱. جدول معناداری آزمون فریدمن

شاخص‌های آماری	مقادیر محاسبه شده
تعداد	۱۷
χ^2	۱۷/۷۰۵
درجه آزادی	۵
عدد معناداری (sig)	۰/۰۰

جدول ۲. جدول میانگین رتبه‌ها در آزمون فریدمن

رتبه	ویژگی‌های اثرگذار بر تحقق حکمرانی تعالی‌گرا	میانگین رتبه
۱	التزام به رعایت قانون	۱۸/۸۲
۲	عدالت‌گرایی فراقانونی	۱۸/۶۴
۳	اخلاق‌گرایی فراقانونی	۱۸/۵۸
۴	مسئولیت‌پذیری و هدف‌گرایی	۱۷/۹۳
۵	حساب‌پس‌دهی و پاسخگویی	۱۷/۸۶
۶	صمیمیت و پرهیز از سلطه‌جویی	۱۶/۹۷

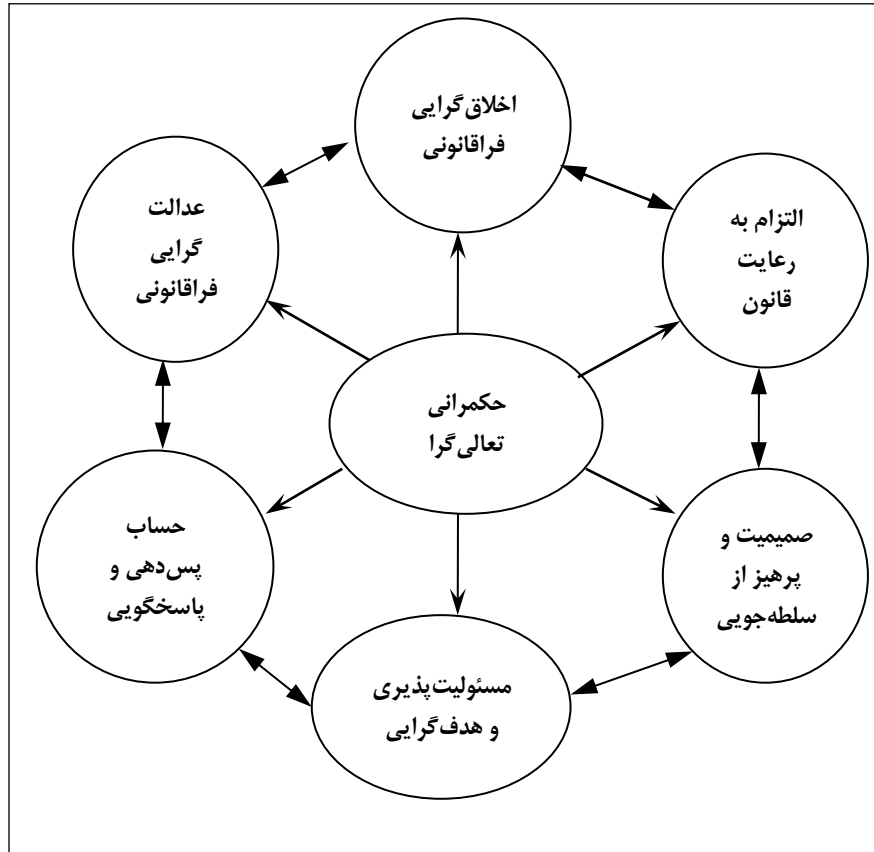
بر اساس نظر و امتیازدهی خبرگان، بالاترین رتبه مربوط به التزام به رعایت قانون است و پس‌از آن به ترتیب عدالت‌گرایی فراقانونی، اخلاق‌گرایی فراقانونی، مسئولیت‌پذیری و هدف‌گرایی، حساب‌پس‌دهی و پاسخ‌گوئی و صمیمیت و پرهیز از سلطه‌جویی قرار دارند (جدول ۲).

نتایج مصاحبه‌ها حاکی از آن است که با مدنظر قراردادن روایت حکمرانی تعالی‌گرا، سازمان، به‌جای تکیه بر روش‌های قبلی که غیرفعال یا فعالانه نبودند، اقدام به حرکتی پیش‌فعال در مهار فساد می‌کند. خبرگان در مصاحبه‌ها بر این دیدگاه توافق دارند که با این پیش‌روایت سازمان اقدام به پیشگیری از بروز فساد خواهد کرد. بر این اساس، سازمان تحمل بی‌قانونی را نخواهد داشت و افرادی شایسته برای تصدی مقام‌های سازمانی انتخاب می‌شوند. فرد، حق‌گرایی را مدنظر خواهد داشت تا عدالت در سازمان جاری باشد و افراد به‌جای سلطه‌جویی به خویش‌سازی می‌پردازند. در چنین پیش‌روایت تعامل‌گرایی، مسئولیت‌پذیری به مفهوم تعهد اخلاقی به اهداف سازمانی و احترام به حقوق ذی‌نفعان است. حساب‌پس‌دهی نیز در فراگرد تعالی‌دهنده، مبتنی بر کنترل دموکراتیک و مهار سوءاستفاده‌ها است (Bovens, 2005b). خبرگان معتقدند که بر اساس این روایت‌گری و تصویرپردازی، کلیه افراد سازمان از ظرفیت‌های هم‌افزایی استفاده می‌کنند تا مجموعه‌ای متعالی و حق‌گرا حرکت کند.

۵. نتیجه‌گیری و پیشنهادها

تصویرپردازی از حکمرانی متعالی. بیشتر راهبردهای متداول در مواجهه با فساد بر اتخاذ رویکرد انفعالی از طریق حذف ویژگی‌های سازمان فاسد یا مقاومت در برابر فساد تأکید دارند؛ درحالی‌که می‌توان این پدیده را با رویکردی فعال و یا حتی فوق‌فعال، تحت کنترل درآورد یا مهار نمود. این پژوهش در پی آن است تا توضیح دهد، یکی از بهترین راهبردهای مقابله با فساد، ارائه داستان یک سازمان تعالی‌گرا و فسادزوده است. در پژوهش حاضر، تأکید بر آن است که از طریق تصویرپردازی از سازمان اداری متعالی، می‌توان ظرفیت‌های هم‌افزایی عناصر سازمانی را

برای شکل دهی یک سازمان فسادزوده، یادگیرنده، الهام بخش و تعالی گرا برانگیخت؛ بدین ترتیب، سازمانی شکل می گیرد که با رعایت ویژگی های بالا به اسوه سازمان سالم تبدیل می شود (شکل ۲).



شکل ۲. مختصات حکمرانی تعالی گرا

بر اساس یافته های پژوهش توصیه می شود با استفاده از داستان گویی برای تصویرپردازی از سازمان سالم، زمینه توسعه یک سازمان اسوه فراهم شود که در آن به گونه ای فوق فعال از بروز فساد احتمالی جلوگیری شود و زمینه نهادینه سازی الگوی «یک سازمان سالم مناسب برای عصر حاضر» فراهم شود؛ در واقع داستان سازمان تعالی گرا، داستان سازمان سالم است. سازمانی که می تواند هم کارآمد باشد و هم اخلاقی و یا حتی کارآمدی را اخلاقی بودن و اخلاقی بودن را کارآمدی بداند. در این رویکرد به جای مواجهه انفعالی با عوارض فساد و تلاش برای زدودن عوارض آن، به سوی تحقق یک مدل آرمانی از سازمان سالم جهت گیری می شود.

نتیجه چنین اقدامی، تکامل تدریجی سازمان‌های واقعی در روند جهت‌گیری به‌سوی احراز مختصات داستان روایت‌شده از حکمرانی متعالی یا حکمرانی بدون فساد است.

این پژوهش ضمن بهره‌گیری از راهبرد داستان‌سرایی در شکل‌دهی به سازمان‌های موفق، با اشاره به دو راهبرد بازدارندگی و الهام‌بخشی، بر ضرورت کاربرد هم‌زمان هر دو تأکید می‌کند. ضرورت، اهمیت و اثربخشی راهبرد الهام‌بخشی از طریق نشان‌دادن مختصات سازمان متعالی، مدنظر قرار گرفته است؛ به‌گونه‌ای که با سناریوهای متعدد و مکمل، بتوان داستان حکمرانی تعالی‌گرا و سازمان‌های شکل‌دهنده آن را درگذر زمان روایت کرد؛ بنابراین داستان حکمرانی متعالی، داستان سازمانی در حال توسعه‌یافتن است. این داستان، داستان سازمانی است که با برانگیختن فهم عمومی شهروندان، مستمراً بازآفرینی می‌شود و در محیط فعال گفتمان‌ها و تحلیل‌ها و ملاحظات اجتماعی، شکل می‌گیرد و تکامل می‌یابد.

بر این اساس پیشنهاد می‌شود که سازمان‌ها، به‌ویژه سازمان‌های دولتی، به‌جای برخورد انفعالی و بازدارنده با فساد، با اتخاذ رویکرد پیشگیرانه و الهام‌بخش با تصویرپردازی و روایت‌گری از وضعیت مطلوب و فساد زدوده (الگوی اسوه)، اعضای سازمان را برای نیل به این الگوی مطلوب ترغیب کنند و بدین ترتیب تمهیدات لازم برای تحقق حکمرانی تعالی‌گرا در یک محیط سالم را فراهم آورند.

منابع

۱. پورعزت، علی اصغر (۱۳۹۱). *مبانی مدیریت دولتی*. سازمان مطالعه و تدوین، سمت.
۲. رنجبر، هادی؛ علی اکبر حق دوست؛ مهوش صلصالی؛ علیرضا خوشدل؛ محمدعلی سلیمانی؛ نسیم بهرامی (۱۳۹۱). نمونه گیری در پژوهش های کیفی: راهنمایی برای شروع. *مجله علمی پژوهشی دانشگاه علوم پزشکی ارتش جمهوری اسلامی ایران*، ۱۰(۳)، ۵۰-۲۳۸.
۳. عابدی جعفری؛ حسن، محمد سعید تسلیمی؛ ابوالحسن فقیهی؛ محمد شیخزاده (۱۳۹۰). تحلیل مضمون و شبکه مضامین: روشی ساده و کارآمد برای تبیین الگوهای موجود در داده های کیفی. *اندیشه مدیریت راهبردی، پاییز و زمستان ۱۳۹۰*، ۱۵۱-۱۹۸.
۴. فقیهی، ابوالحسن (۱۳۸۰). *نظام های پاسخگویی در بخش دولتی، دیدگاه تطبیقی*. فصلنامه *مطالعات مدیریت*، ۵۰، ۴۵-۱۹.
5. Aaronson, S.A. & Reeves, J.T. (2002). Corporate Responsibility in the Global Village: The Role of Public Policy, National Policy Association, Washington, DC. PP 30-37
6. Ampratwum, E. F. (2008). The fight against corruption and its implications for development in developing and transition economies. *Journal of Money Laundering Control*, 11(1), 76 – 87.
7. Aucoin. P. & Heintzman, R. (2000). The dialectics of accountability for performance in public management reform. *International Review of Administrative Sciences*, 66, 45-55.
8. O'Reilly, M., & Parker, N. (2013). 'Unsatisfactory Saturation': a critical exploration of the notion of saturated sample sizes in qualitative research. *Qualitative Research*, 13(2), 190-197.
9. Behn, R. D. (2001). *Rethinking Democratic Accountability*. Washington, D.C.: Brookings Institution Press.
10. Berne, Eric (1961). *Transactional Analysis in Psychotherapy*. Souvenir Press Ltd. Page 76
11. Boje, D. M. (2001). *Narrative methods for organizational and communication research*. Sage series in management research.
12. Bouckaert, G. & Halligan, J. (2008). *Managing Performance: International Comparisons*. London, Routledge.
13. Bovens, M. (2005a). *Accountability, Part Of The Oxford Handbook Of Public Management*, Oxford, Oxford University Press.
14. Bovens, M. (2005b). Analyzing and assessing public accountability, Paper to be presented at accountable governance. *An International Research Colloquium*, Queens University Belfast.
15. Boyatzis, R. E. (1998). *Transforming qualitative information: thematic analysis and code development*. Sage.
16. Braun, V. & Clarke, V. (2006) Using thematic analysis in psychology. *Qualitative Research in Psychology*, 3(2), 77-101.
17. Brown, J. S., Denning, S., Groh, K. and Prusak, L. (2005). *Storytelling in Organizations: Why Storytelling is Transforming 21st century Organization and Knowledge Management*. Oxford: Elsevier.

18. Cheung, H.Y & Chan, A, W, H. (2008). Corruption Across Countries: Impacts from education and cultural dimensions. *The Social Science journal*, 45(2), 223-239.
19. Desai, M. S. & von der Embse, T. J. (2008). Managing electronic information: an ethics perspective. *Information Management & Computer Security*, 16(1), 20-27.
20. Devorakova, Z. (2005). Encouraging ethical behavior in PA by human resource management. *Journal of Business and Economics*, 6(3), 171-178
21. Edwards, M. (2008). *Just Another Emperor? The Myths and Realities of Philanthrocapitalism*. Demos: A Network for Ideas & Action and the Young Foundation.
22. Fielder, F. E. (1964). *A theory of leadership effectiveness*. In L. Berkowitz (Ed.), *Advances in experimental social psychology*. New York: Academic Press.
23. Fisher, E. (2004). The European Union in the age of accountability, *Oxford Journal of Legal Studies*, 24 (1), 495-515.
24. Haq, S. (2011). Ethics and leadership skills in public service, *Procedia Social and Behavioral Sciences*, 15, 2792-2796
25. Hart, D.K. (2001). Administration and the Ethics of Virtue: In All things, Choose First for good Character and Then for Technical Expertise. in TL Cooper ed, *Handbook of Administrative Ethics*, 2nd edition, Marcel Dekker, New York, 131-150.
26. Hatch, M.J. (1997). *Organization Theory, Modern, Symbolic and Postmodern Perspectives*, Oxford University Press.
27. Hyde, M.J. (2001). *The Call of Conscience: Heidegger and Levinas: Rhetoric and the Euthanasia Debate*, University of South Carolina Press, Columbia, SC, pp.134-137
28. Karklins, R. (2002). Typology of post communist corruption. *Problems of post communist*, 49(9), 22-32.
29. King, N. (2010). *Interviews in qualitative research*. London: Sage
30. Klitgaard, R. (1991). *Controlling Corruption*. University of California Press.
31. Levin, M. & Satarov, G. (2000). Corruption and Institutions of Russia. *European Journal of political Economy*, 1(16), 113-132.
32. Labov, W. (1972). *Language in the inner city*, Philadelphia, Univ. of Pa. Press.
33. Marotzki, W. (2004). *Qualitative biographical research*, in U. Flick, et al. (eds) *A companion to qualitative research*. London: Sage.
34. McWilliams, A. & Siegel, D. (2001). Corporate social responsibility: a theory of the firm perspective, *Academy of Management Review*, 26(1), 117-127.
35. Neuman, Lawrence W. (2006). *Social Research Methods: Qualitative and Quantitative Approach*. MA: Allyn and Bacon.
36. Orme, G. (2003). Ethics - a foundation competency. *Industrial and Commercial Training*, 35(5), 184-190.
37. Przeworski, A. Stokes, S. & Manin, B. (1999). *Democracy, Accountability and Representation*. Cambridge University Press

38. Rosenbloom, D.H. (1989). *Understanding management, politics and law in the public sector* (2nd ed.). NJ, Random House Inc.
39. Rosenthal, G. and Fischer-Rosenthal, W. (2004). The analysis of narrative biographical interviews. in U. Flick, et al. (eds). *A companion to qualitative research*, London: Sage.
40. Salminen, A. (2013). Control of Corruption: The Case of Finland, in Jon S.T. Quah (ed.) *Different Paths to Curbing Corruption (Research in Public Policy Analysis and Management, Volume 23)*, Emerald Group Publishing Limited, 57-77.
41. Scanlan, G., (2004). The control of corruption. *Journal of Financial Crime*, 11(4), 316 - 321
42. Scott, J.S. (1972). *Comparative Political Corruption*. Prentice Hall Inc.